روایت شاذه صحیح السند تطوق در کافی شریف

در همین بحث رؤیت هلال، مرحوم کلینی در کافی شریف، «بَابُ الْأَهِلَّةِ وَ الشَّهَادَةِ عَلَيْهَا»[1]، روایت یازدهم را نقل می‌کنند. البته روایات دیگری هم هست، این روایت را به خصوصه انتخاب کردم. دوازده روایت آورده‌اند. سند یازدهمین روایت عال العال است. دیگر بهتر از این سند نمی‌شود. حتی علامه حلی که این روایت را آورده‌اند و گفته اند «فی سنده کلام»، مرحوم آقای خوئی می‌گویند ایشان فقط طریق شیخ صدوق به پدر مرازم را دیده‌اند. در این کلام است. و الّا اگر نقل کلینی از احمد بن ادریس و شیخ از سعد بن عبدالله را می‌دیدند، اصلاً نزد احدی از باحثین سر سوزنی تردید در سند نمی‌شد. یعنی اعلی الاسانید است.

> أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا تَطَوَّقَ الْهِلَالُ فَهُوَ لِلَيْلَتَيْنِ وَ إِذَا رُئِيَ تَحْتَ طُرَّةِ الْمَرْأَةِ فَهُوَ لِثَلَاثِ لَيَالٍ[2]

خب مرحوم کلینی این روایت را آورده‌اند. مرحوم مجلسی در مرآة می‌گویند «وقع الاجماع علی خلافه». حتی مرحوم شیخ که این روایت را به ابری بودن هوا حمل کرده‌اند، همه اراحت هستند. یعنی شما می‌گویید اگر هوا ابری بود و ندیدیم و فردایش تطوق داشت، باید قضا کنیم؟! چه کسی گفته؟! یعنی به شیخ این ایراد را گرفته‌اند که این چه جمعی است شما کرده‌اید؟! معنای جمع شما خلاف اجماع است. اجماع این است که وقتی ابری بود و ندیدید، ثلاثین بگیرید. نه اینکه اگر ابری بود فردا غروب اگر تطوق داشت باید یک روز قضا کنید. شیخ به این صورت حمل کرده‌اند. به شیخ ایراد گرفته‌اند که اینطور حمل کرده‌اند.

شاگرد: حمل شیخ را توضیح بفرمایید.

استاد: شیخ فرموده‌اند تطوق که علامت برای دخول نیست. بله، اگر دیشب ابر بود و نتوانستید ببینید ولی فردا تطوق داشت، آن وقت امارت دارد. بحث‌های مرحوم خوئی در اینجا را ببینید. اولاً می‌گویند اعراض اصحاب ثابت نیست. بعد می‌گویند روایت صحیحه است. اعراض هم معلوم نیست. حتی اگر اعراض هم کرده باشند، حجت نیست. مبنای ایشان معلوم است. لذا فتوا می‌دهند اگر تطوق دارد، ثابت است. بدون قید شیخ فتوا می‌دهند. یعنی حتی اگر هوا صاف بود، فردایش تطوق داشت، نزد ایشان طبق این روایت عالی السند کافی است. من گشتم تا هیچ رقم حرفی در آن نباشد. هم از این حیث که مجمع علیه و مشهور در آن روشن است و درعین‌حال ایشان این روایت را آورده‌اند.

شاگرد: این روایت شاهد چیست؟

استاد: شاهد بر این است که در قرن چهارم اگر قرار بر تصفیه بود، قرار بر «مجمع علیه» بود، این روایت که شاذ است. چه شاذی بالاتر از این روایت؟!

شاگرد: مرحوم صدوق هم این روایت را آوردهاند؟ مدعی این بود که کافی و صدوق نیاوردهاند ولی مرحوم شیخ آورده است. اما اینکه امام فرمودهاند «ان مجمع علیه لاریب فیه» یک امارهٔ عقلائی است. آیا ثابت است که این اجماع در قرن چهارم هم بوده؟

استاد: علامه مجلسی را گفتم. علامه حلی که در کردهاند و میگویند در سند این روایت اشکال است.

شاگرد: علامه مجلسی را عرض میکنم. ایشان که ادعای اجماع میکنند، یعنی در قرن چهارم چنین اجماعی بوده؟

شاگرد۲: این روایت در فقیه هم هست.

شاگرد: این اتفاقاً موید است. هر چه که بعداً طبقش عمل نکردهاند که نقض بر ما نیست.

استاد: مرحوم شیخ هم همین را از سعد بن عبدالله میآورند. میگویند به اینها عمل نمیشود. همین چیزی که شما برای عبارات عمار ساباطی از شیخ میآوردی، شیخ در مقابل تطوق، به اخبار متواتره جواب میدهند. ایشان که نمیگویند من عمل میکنم. یعنی روایتی که در فقیه و کافی آمده، در اینجا به شذوذ و به اینکه طائفه عمل نکردهاند و به اینکه خلاف اخبار متواتره است، رد میکنند.

شاگرد: فرمودی که شیخ جمع میکنند.

استاد: بعد جمع میکنند.

شاگرد۲: عبارت شیخ این است:

> **فهذان الخبران وما يجري مجراهما مما وه في معناهما انما يكون امارة على اعتبار دخول الشهر إذا كان في السماء علة من غيم وما يجري مجراه ، فجاز حينئذ اعتباره في الليلة المستقبلة بتطوق الهلال وغيوبته قبل الشفق أو بعد الشفق ، فاما مع زوال العلة وكون السماء مصحية فلا تعتبر هذه الاشياء ويجري ذلك مجرى شهادة الشاهدين من خارج البلد[3]**

استاد: این عبارت مقصود من را کامل نمی رساند.

---

[1] الكافي- ط الاسلامية نویسنده : الشيخ الكليني جلد : ۴ صفحه : ۷۶

[2] همان ص۷۸

بازبینی #3
ایجاد شده 31 دسامبر 2025 11:39:44 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 فوریه 2026 14:36:14 توسط ... .